

معمای اتوبان

زینب علیپور طهرانی
تپش

در قسمت‌های قبل خواندید که زن و شوهر جوانی به‌طور اتفاقی با جسد زنی روبه‌رو شدند و سرگرد اصلانی پیگیر پرونده قتل شد. او و همکارش محمدی گمان کردند که قتل مربوط به دراکولا، قاتل سریالی است. تحقیقات آغاز شد. سرگرد با دختران مقتول و داماد او صحبت کرد و متوجه شد نکته‌ای در این پرونده وجود دارد که باعث می‌شود او به قاتل بودن دراکولا شک کند؛ بنابراین با دوستان و همسایه‌های مقتول صحبت کرد. در این میان خبر قتل زن میانسال دیگری ذهن سرگرد را به خود مشغول کرد. او در پی حل معمای اتوبان بود و برای تحقیقات بیشتر به خانه مقتول رفت و همه چیز را واریس کرد. به‌طور اتفاقی با کتاب‌های مقتول روبه‌رو شد. به گفته دخترانش، این اواخر به خواندن کتاب‌های پلیسی و جنایی علاقه‌مند شده بود و زیر کلمه‌های خیانت در یکی از کتاب‌ها خط کشیده بود. سرگرد از همکارش خواست که آن کتاب را برایش تهیه کند. احساس می‌کرد نکته‌ای در این کتاب هست که به حل معما کمک می‌کند.

ادامه داستان...

سرگرد روی تخت اتاق خوابش خوابید و شروع به خواندن کتاب کرد. داستان کتاب درباره خیانت مردی به همسر پولدارش بود که به همین دلیل هم او را به قتل می‌رساند و جسد زن را قطعه قطعه کرده و در باغچه خانه‌اش دفن می‌کند و با دختر دیگری ازدواج می‌کند. سرگرد به فکر فرو رفت. احساس می‌کرد مقتول به خاطر یک پرونده قتل مشابه داستان این کتاب کشته شده است. او به تصور این‌که ممکن است داماد مقتول متهم باشد، از همکارش محمدی و تیمش خواست تا او را زیر نظر بگیرد و درباره‌اش تحقیق کند. نتیجه تحقیقات مشخص کرد که داماد مقتول مرد محترمی است و همه چیز را درباره شب قتل راست گفته است. رابطه خوبی هم با همسرش دارد، بنابراین پروژه خیانت او به همسرش منتفی است. یکباره فکر دیگری به ذهنش خطور کرد. به همراه محمدی به ساختمان مقتول بازگشت و سری به باغچه ساختمان زد. باغچه پر از گل‌های رنگارنگی بود که به نظر می‌رسید به تازگی کاشته شده. سرگرد تیمی را برای کندن باغچه درخواست کرد. همکارانش با دقت شروع به کندن باغچه کردند اما چیزی پیدا نکردند. سرگرد از آنها خواست عمیق‌تر زمین را بکنند. یکباره یکی از بیل‌ها در عمق زیادی با چیزی برخورد کرد. گروه تفحص تکه‌های بدن انسان را از زیر خاک درآوردند که هر کدام در پلاستیکی پیچیده شده بود. جسد برای بررسی به پزشکی قانونی منتقل شد و سرگرد از دکتر خواست به صورت اورژانسی بررسی جسد را انجام داده و گزارش آن را به دست او برساند. در این میان با همسایه‌ها صحبت کرد و متوجه شد زن جوانی چند ماه قبل ناپدید شده و همسرش برای حفظ آبرواز آن ساختمان نقل مکان کرده و آنجا را فروخته است. نکته جالب این‌که پیش از رفتنش با

هزینه شخصی خودش به یاد همسرش باغچه را گلکاری کرده بود. سرگرد به دنبال نام و نشانی از آن مرد بود تا این‌که همکارش محمدی توانست نشانی از او پیدا کند. محمدی و دو نفر از همکارانش به محل کار او رفته و مرد را دستگیر کردند و به اداره آگاهی آوردند و سرگرد از او بازجویی کرد. سرگرد پرسید: همسرتون چطور ناپدید شد؟ مرد که صولتی نام داشت با اعتماد به نفس و مصمم گفت: ازتون شکایت می‌کنم. شما حق ندارین با من این جوری برخورد کنین. در ضمن من بدون حضور وکیلم حرفی نمی‌زنم. سرگرد با خونسردی گفت: نگران نباشین. هم وکیلتون تشریف میارن، هم گزارش کالبدشکافی جسدی که توی باغچه دفن کردین. صولتی پوزخندی زد و گفت: کدوم جسد؟ سرگرد گفت: کدوم جسد؟ جسد همسرتون که توی باغچه دفن کردین. صولتی لیخن زد و گفت: همسر من با به آشغال به من خیانت کرد و از کشور خارج شد. در این بین دکتر با سرگرد تماس گرفت و گفت که گزارش را برایش ایمیل کرده است. سرگرد پشت لپ تاپ نشست و از گزارش، پرینت گرفت و بعد رو به صولتی کرد و گفت: پس گفتین همسرتون بهتون خیانت کرده و از کشور خارج شده؟ صولتی گفت: بله دقیقاً. سرگرد گزارش را محکم روی میز کوبید و گفت: پس این چیه؟ گزارش پزشکی قانونی می‌گه جسدی که ما توی باغچه پیدا کردیم متعلق به همسر شماست که چند ماه قبل به قتل رسیده. صولتی همچنان سعی می‌کرد خونسردی‌اش را حفظ کند و گفت: من بدون حضور وکیلم دیگه به سؤالاتون پاسخ نمی‌دم. سرگرد کمی در اتاق قدم زد و گفت: خانم بهاری رو هم برای همین کشتین که از قتل همسرتون خبر داشت؟

صولتی سکوت کرد. در این بین وکیل صولتی از راه رسید و در زد و وارد شد و رو به صولتی کرد و گفت: نگران نباشین؛ من حلش می‌کنم. صولتی همچنان سکوت کرد و سرش را به علامت تأیید تکان داد. سرگرد با محمدی تماس گرفت و گفت که صولتی را به بازداشتگاه منتقل کنند. وکیل صولتی از جا پرید و گفت: شما چنین اجازه‌ای ندارین. موکل من هیچ جرمی مرتکب نشده. سرگرد گفت: بله مرتکب نشده اگر بخوایم قتل دو زن رو جرم به حساب نیاریم! وکیل از همه جا بی‌خبر متعجب ماند و گفت: موکل من بی‌گناحه. سرگرد گفت: این رو دیگه قاضی تشخیص میده. محمدی در زد و وارد اتاق شد تا صولتی را به بازداشتگاه ببرد. وکیل صولتی هم مدام زیر گوشش می‌خواند که خیلی زود او را آزاد می‌کند اما یکباره صولتی برگشت و نگاهی به سرگرد انداخت و گفت: اون پیرزن فضول حقش بود بمیره. اگه توی زندگی من سرک نمی‌کشید و متوجه خیانت من نمی‌شد، الان زنده بود. سرگرد نگاهی با خشم به او انداخت و به محمدی گفت: ببرش محمدی. اما صولتی ایستاد و با دست‌های بسته پوزخندی زد و گفت: شاید مینا حقش نبود بمیره اما اون زنیکه فضول حقش بود. سرگرد؟ کارم حرف نداشت، درسته؟ درست مثل دراکولا که کارش حرف نداره. کاش من جای اون بودم و هرچی پیرزن فضوله، می‌کشتم. وکیل صولتی حاج و واج مانده بود و گفت: چی میگین قربان؟ لطفاً چیزی نگیں. سرگرد هم عصبانی شد و با خشم به محمدی گفت: ببرش محمدی. صولتی همان‌طور که به سمت بازداشتگاه می‌رفت مثل دیوانه‌ها شده بود. با خودش حرف می‌زد و می‌خندید و می‌گفت: من باید دراکولا می‌شدم....

داستان

تپش

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۷

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۶۰

هشدارهای پلیس به زائران حج

معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ به منظور جلوگیری از کلاهبرداری یا هرگونه سوءاستفاده از زائران توصیه‌هایی ارائه کرد. سرهنگ سعید مجیدی در آستانه اعزام زائران حج تمتع به سرزمین وحی، توصیه‌هایی را به آنان و عموم مردم ارائه کرد و گفت: برگ برنده کلاهبرداران در تحقق اهداف مجرمانه‌شان بیدار کردن حس حرص و طمع در قربانیان و همچنین مهندسی اجتماعی آنان است. به عنوان مثال در دورانی که اخبار حج تمتع در جامعه جریان دارد و همه در تکاپوی آمادگی برای این سفر با صرف حداقل هزینه و زمان برای دسترسی به مدارک و ارز مورد نیاز هستند؛ کلاهبرداران با توجه به آمادگی ذهنی مخاطبان سراغ آنها رفته و در فضای مجازی با وعده تسریع در صدور مدارک مسافرتی و همچنین تامین ارز مورد نیاز، این افراد را در دام مدارک و ارز جعلی گرفتار کرده و در واقع از آنان کلاهبرداری می‌کنند. در همین راستا نیز از شهروندان دعوت می‌کنم تا با رعایت برخی نکات و توجه به هشدارها از تحقق اهداف کلاهبرداران جلوگیری کرده و خود نیز قربانی این افراد نشوند. مجیدی با بیان این‌که برای ورود به کشور عربستان و زیارت خانه خدا فقط گذرنامه و ویزا ضروری است، گفت: به زائران توصیه می‌کنم از آوردن مدارک شناسایی اضافی خودداری کنند. همچنین از صفحه گذرنامه خود توسط تلفن همراه عکس بگیرند تا در صورت مفقودی یا سرقت مدارک بتوان از اطلاعات آنها بهره‌برداری شود. معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: زائران توجه داشته باشند که در صورت دریافت ویزا از مراکز غیررسمی، پلیس در مرزهای خروجی با امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مستقرند و ویزاها و گذرنامه‌های جعلی را به راحتی شناسایی و از ادامه سفر جلوگیری می‌کنند. ضمن این‌که ورود غیرقانونی به کشور عربستان نیز مجازات سنگین زندان دارد. مجیدی از زائران خواست برای دریافت گذرنامه شخصاً به دفاتر پلیس ۱۰۴ مراجعه کنند و به هیچ عنوان مدارک خود را به افراد ناشناس و دفاتر و موسسات غیرمجاز تحویل ندهند. همچنین برای دریافت ارز مورد نیاز به مراکز و صرافی‌های مجاز مراجعه و از خرید ارز در نقاط مرزی و دلالان ارزی جدا خودداری کنند چرا که کشف ارز جعلی از زائرین ایرانی در کشور عربستان مشکلات زیادی برای آنان ایجاد خواهد کرد. همچنین هنگام خرید برخی از اجناس در کشور عربستان مانند گوشی تلفن به این احتمال توجه داشته باشند که این گوشی فقط در همان کشور فعال و در کشور ما غیرفعال باشد. پس مواظب خرید وسایل تقلبی و بدلی نیز باشید.

